



بازخوانی میراث مادی، منظر فرهنگی و فناوری‌های نوظهور در آینه «مطالعات موزه‌ای زرین فام»

بابک شیخ بیگلر اسلام ✉

دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی و انسانی دانشگاه‌ها (سمت)،
تهران، ایران.

دیباچه: مطالعات موزه‌ای به مثابه دانشی میان‌رشته‌ای

دانش مطالعات موزه‌ای و حفاظت از میراث فرهنگی در عصر حاضر، از حدِ گردآوری و توصیفِ کالبدی اشیاء فراتر رفته و به حوزه‌ای پویا، پژوهش‌محور و اصالتاً میان‌رشته‌ای تبدیل شده است. امروزه موزه‌ها و آثار موزه‌ای تنها محلی برای نگهداری یا نمایش یادگارهای گذشته نیستند، بلکه بسان اسناد مادی زنده، بستری برای بازخوانی اندیشه‌های سیاسی، هویتی، فنی، زیبایی‌شناختی و جامعه‌شناختی جوامع گذشته به شمار می‌روند. دوفصلنامه تخصصی «مطالعات موزه‌ای زرین فام» در این شماره کوشیده است با گردآوری دوازده مقاله علمی و اصیل از پژوهشگران کشور، پنجره‌ای نو بر زوایای تاریک و ناگفته میراث مادی و معنوی ایران‌زمین بگشاید.

این شماره از نشریه، طیف گسترده‌ای از حوزه‌های تخصصی شامل نمادشناسی هنرهای فاخر، معماری اسلامی و بازطراحی آرایه‌های تزئینی، نسخه‌شناسی و سنجش‌های آزمایشگاهی آثار خطی، باستان‌شناسی منظر، راه‌ها و معماری صخره‌ای و در نهایت کاربست فناوری‌های نوظهور و علوم پایه در حفاظت و مرمت موزه‌ای را پوشش داده است. در ادامه، به معرفی دستاوردهای علمی مقالات این شماره می‌پردازیم.

محور اول: نمادشناسی و بازنمایی قدرت در هنر و صنایع فاخر

منسوجات و فلزکاری‌های نفیس تاریخی، فراتر از کارکردهای مصرفی، همواره رسانه‌هایی قدرتمند برای بازنمایی اقتدار سیاسی، مشروعیت دینی و هویت فرهنگی بوده‌اند. در نخستین پژوهش این محور، **سحر عبدالهی** به تحلیل شمایل‌نگارانه و نمادشناسانه پارچه ابریشمی «طراز» دوره عباسی محفوظ در موزه تار و پود یزد پرداخته است. طرازها به عنوان پارچه‌های کتیبه‌داری که در کارگاه‌های سلطنتی بافته شده و در آیین‌های رسمی به عنوان «خلعت» اعطا می‌شدند، نقش کلیدی در نظام اداری و ایدئولوژیک خلافت ایفا می‌کردند. نویسنده با به کارگیری الگوی سه مرحله‌ای اروین پانوفسکی و تحلیل تطبیقی اثر با نمونه مشابه در موزه هنر کلیولند آمریکا، نشان می‌دهد که این دست‌بافته با ترکیب کتیبه کوفی «احمد بن الحسن الناصر» و نقوش جانوری و گیاهی (شیر، شتر، مرد کماندار و درخت سرو)، تداوم هنر ساسانی و بازتفسیر آن در بستر اندیشه سیاسی عباسی را به نمایش می‌گذارد. در این ترکیب منسجم، شیر نماد قدرت سلطنتی، شتر نماد قلمرو و منابع اقتصادی، کماندار نماد عقلانیت و کنش انسانی، و سرو نشانه مقدس جاودانگی و مشروعیت دینی است که نظامی کیهانی و سیاسی را رمزگذاری کرده‌اند.

در ادامه، **محمدعلی حدادیان** در مقاله‌ای با موضوع تحلیل ساختارهای فرمی و نقوش در ملیلۀ طلا، به بررسی این هنر-صنعت اصیل ایرانی پس از ورود اسلام تا دوره‌های صفوی و قاجار پرداخته است. ملیلۀ سازی که بر پایه نظم و ظرافت مفتول‌های نازک طلا

و نقره استوار است، در سده‌های نخستین دوران اسلامی تحت تأثیر هنر ساسانی تداوم یافت و در دوره صفوی به اوج شکوفایی رسید. پژوهشگر با اتکا بر نظریه ادراکی گشتالت و تحلیل مؤلفه‌هایی چون فرم، تقارن، توازن و ریتم در نقوش گیاهی، هندسی و حیوانی، الگویی کاربردی و نوآورانه برای بازتولید یک سرویس زیورآلات معاصر ارائه داده است که ضمن حفظ اصالت هویتی، با نیازهای امروز همخوانی دارد.

در حوزه باستان‌شناسی و سکه‌شناسی، **امیر منصوری** سکه‌های ساسانی مکشوفه از محوطه «بردقاله» در کوه‌دشت لرستان را مورد مطالعه قرار داده است. سکه‌ها به عنوان استوارترین اسناد مادی تاریخ، زوایای تاریکی از تحولات سیاسی و اقتصادی پایان دوره ساسانی، به‌ویژه روزگار خسرو دوم و فرخزاد را روشن ساخته و شواهد ارزشمندی از وضعیت جغرافیای اداری و ضرب سکه در غرب ایران ارائه می‌دهند.

محور دوم: معماری اسلامی، آرایه‌های تزئینی و بازخوانی تحولات کالبدی

بناهای تاریخی و مذهبی، شناسنامه‌های زنده کالبدی و هویتی شهرهای اسلامی هستند که بررسی ساختاری و مرمتی آن‌ها نیازمند رویکردهای دقیق علمی و سبک‌شناسانه است. در این راستا، **مهدی صحراگرد** در پژوهشی کاربردی، به گونه‌شناسی سازمان تزئینی ایوان در معماری تیموری خراسان پرداخته تا مبنایی علمی برای بازطراحی آرایه‌های ازمیان‌رفته سردر مدرسه یوسف خواجه (دودر) مشهد فراهم کند. سردر این بنای متعلق به عصر شاه‌رخ تیموری (۸۴۳ هـ.ق)، به دلیل آسیب‌های شدید فاقد اسناد مستقیم تصویری بود. نویسنده با تحلیل تطبیقی بناهای هم‌عصر (مانند مدرسه بالاسر، مسجد گوهرشاد و مزار ابوبکر تابادی) و کاوش‌های میدانی که به کشف بقایای کاشی معرق زیر رسمی‌بندی‌های الحاقی انجامید، ساختار اصیل ایوان را بازخوانی کرده است. دستاورد شاخص این مقاله، ارائه روش‌شناسی تمایز میان «بازسازی مستند» (متکی بر شواهد مادی و مکتوب) و «طراحی نو» (در چارچوب اصول سبک‌شناختی) است که منطبق بر منشورهای بین‌المللی مرمت نظیر منشور ونیز می‌باشد.

در حوزه‌ای دیگر از معماری مذهبی، **ملیکا کیوانی نژاد** جایگاه مسجد جامع ساوه را در بازنمایی هویت اسلامی و فرهنگی این شهر بررسی کرده است. مسجد جامع ساوه نه یک بنای منفرد، بلکه هسته مرکزی سازمان فضایی شهر در پیوند با بازار و کاروانسرا بوده است. نویسنده سیر تحول ۸۰۰ ساله این بنا را در چهار مرحله کلیدی تبیین می‌کند: (۱) هسته اولیه شبستانی قرن دوم هجری قمری مشابه مسجد تاریخانه دامغان، (۲) تحول سلجوقی با ساخت گنبدخانه و مناره آجری مورخ ۵۰۴ هـ.ق، (۳) احداث ایوان مرتفع غربی در عصر ایلخانی، و (۴) بازسازی گنبدخانه به فرم چلیپایی و الحاق تزئینات نفیس کاشی‌کاری در دوره صفوی.

همچنین **عبدالمهدی همت‌پور** و **زینب نیک‌نفس گنوئی** در مقاله‌ای با رویکرد ساختارگرایی، به بازنمایی کیهان ایرانی در معماری کاروانسرای طراز آباد بیده پرداخته‌اند. کاروانسراها در سنت معماری ایران علاوه بر پاسخگویی به نیازهای عملکردی و امنیتی، در سازمان فضایی خود ثنویات نمادینی چون نور و تاریکی، پیرامون و مرکز، و نظام هندسی متناسب با درک کیهانی انسان ایرانی را متجلی می‌ساختند.

محور سوم: نسخه‌شناسی، کتاب‌آرایی و علوم آزمایشگاهی در شناخت آثار خطی

نسخه‌های خطی به عنوان گنجینه‌های متنی و بصری، حامل شواهد بی‌بدیلی از تاریخ هنر، فناوری تولید کاغذ و آداب کتاب‌آرایی جهان اسلام هستند. **زهره پورشعبانیان** در مقاله‌ای به تحلیل زیبایی‌شناختی و نسخه‌شناختی «منتخب شاهنامه فردوسی» محفوظ در کتابخانه کنگره آمریکا پرداخته است. این نسخه نفیس ۹۲ برگه که در جمادی‌الاول ۱۰۲۷ هـ.ق (دوره صفوی) به خط نستعلیق خوش سید علی ولد سید هاشم کتابت شده، مشتمل بر سرلوح مزدوج و مذهب، جدول کشی‌های سه‌رنگ، جلد چرمی برجسته و سه

نگاره ارزشمند است. نگارگر اثر با بهره‌گیری از الگوهای رایج در کارگاه‌های سلطنتی و ترکیب سایه‌روشن‌های ظریف در ترسیم صخره‌ها، اسب‌ها و البسه جنگی، صحنه‌های حماسی شاهنامه را به تصویر کشیده است.

از سوی دیگر، **مریم میرانی، محسن محمدی آچاچلویی، داوود افهامی سی‌سی و نفیسه یوسفی** در پژوهشی آزمایشگاهی و اسیل، پایگاه داده‌یالیاف کاغذهای دوره‌ی تیموری را برای طبقه‌بندی و تاریخ‌گذاری نسخ خطی ایجاد کرده‌اند. با توجه به اینکه بسیاری از نسخه‌های خطی فاقد تاریخ یا دارای اطلاعات مخدوش هستند، شناسایی ویژگی‌های مادی کاغذ، ابزاری کلیدی برای نسخه‌شناس‌ها (کدیکولوژیست‌ها) محسوب می‌شود. پژوهشگران با بررسی میکروسکوپی و ساختاری ۵۰ نسخه خطی تاریخ‌دار دوره‌ی تیموری از مخزن آستان قدس رضوی، الیاف به کار رفته در خمیر کاغذها را شناسایی کرده و داده‌بایگانی استاندارد را برای تاریخ‌گذاری و منشأیابی نسخه‌های مجهول‌الهویه تدوین نموده‌اند.

محور چهارم: باستان‌شناسی منظر، راه‌ها و معماری صخره‌ای و دست‌کند

شناخت منظر فرهنگی و راه‌های مواصلاتی تاریخی، بستری تحلیلی برای درک مناسبات اقتصادی، نظامی و تعاملات منطقه‌ای جوامع گذشته فراهم می‌سازد.

وحید زلفی‌هریس، حسن هاشمی زرج‌آباد، عابد تقوی و علی فرحانی در مقاله‌ای به بازشناسی شاهراه تهران-سمنان (بخشی از شاهراه بزرگ خراسان) در قرون متأخر اسلامی پرداخته‌اند. این پژوهش با تلفیق متون تاریخی و شواهد باستان‌شناسی، نقش معماری میان‌راهی از جمله کاروانسراها، رباط‌ها و برج‌های دیده‌بانی و حفاظتی را در تأمین امنیت شبکه‌های تجاری و تعاملات ایران و آسیای مرکزی تبیین می‌کند.

در حوزه معماری صخره‌ای، **حمید امان‌اللهی، حسن کریمیان و فاطمه شیخ‌احمدی** به گونه‌شناسی، گاه‌نگاری و الگوی پراکنش مکانی قلعه‌های دست‌کند منطقه بیجار گروس در کردستان پرداخته‌اند. این سازه‌ها که در زمره «معماری صخره‌بنیاد» یا دفاعی-دست‌کند قرار می‌گیرند، ترکیبی هوشمندانه از دیوارهای سنگی احداث‌شده و فضاهای تراشیده‌شده در دل صخره‌ها (مانند آب‌انبارها و تونل‌های دسترسی) هستند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که این قلعه‌ها از دوره ساسانی بنیان نهاده شده و در دوره‌های سلجوقی و ایلخانی به عنوان پایگاه‌های دفاعی و زیستگاه‌های اضطراری بازسازی و تقویت شده‌اند.

محور پنجم: فناوری‌های نو ظهور و علوم پایه در حفاظت، مرمت و موزه‌داری پایدار

حفاظت علمی از آثار موزه‌ای نیازمند ارزیابی دقیق رفتار مواد، رعایت اصل حداقل مداخله، برگشت‌پذیری و تمایزپذیری در اقدامات مرمتی است. در همین راستا، **مهدی رازانی، جلیل اسمعیل‌نژاد تیمورآبادی و سارا حسین‌زادگان** در مقاله‌ای تجربی به ارزیابی پایداری مواد مرسوم در چاپگرهای سه‌بعدی به روش رسوب مذاب (FDM) برای کاربرد در مرمت و موزه‌داری پرداخته‌اند. پژوهش مزبور در راستای این پرسش اصلی است که کدام مواد مصرفی این چاپگرها در برابر گذر زمان و شرایط محیطی پایداری بیشتری دارند. فناوری چاپ سه‌بعدی امروزه راهکاری نوآورانه برای بازسازی قطعات مفقود، ساخت مولاژها و پایه‌های تعادلی اشیای ناپایدار در موزه‌ها فراهم کرده است. پژوهشگران چهار فیلامنت رایج شامل PLA، ABS، PA و PETG را انتخاب کرده و با قرار دادن نمونه‌های چاپ‌شده در معرض تابش فرابنفش، تغییرات رنگ و ساختار آنها را بررسی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد PLA (پلی لاکتیک اسید) کمترین تغییر رنگ را داشته و از این نظر برای بازسازی‌های موقت و مولاژسازی در شرایط محیطی موزه مناسب است؛ در مقابل، PA (پلی آمید) از نظر پایداری ساختاری عملکرد مطلوب‌تری نشان داد و برای قطعات نیازمند استحکام ساختاری توصیه گردید. فیلامنت PETG (پلی اتیلن ترفتالات گلیکول)، با توجه به برخورداری از تغییرات رنگی نسبتاً محدود، در محیط‌های خشک می‌تواند گزینه‌ای مناسب باشد. ABS (اکریلونیتریل بوتادین استایرن) بیشترین تغییرات رنگی و ساختاری را داشت و برای

کاربردهای مرمتی مناسب ارزیابی نشد. در مجموع، مقاله نشان می‌دهد که چاپ سه‌بعدی می‌تواند ابزار مفیدی برای بازسازی بخش‌های مفقود و ساخت اجزای موقت آثار موزه‌ای باشد، اما انتخاب ماده باید با توجه به شرایط محیطی و اصول حفاظت و مرمت انجام شود.

کلام پایانی و چشم‌انداز نشریه

مجموعه مقالات گردآمده در این شماره از *دوفصلنامه مطالعات موزه‌ای زرین‌فام*، گواهی روشن بر ظرفیت‌های والای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در تحلیل، حفاظت و معرفی میراث تمدنی ایران‌زمین است. هم‌پیوندی باستان‌شناسی میدانی، تحلیل‌های سبک‌شناسانه، نسخه‌شناسی آزمایشگاهی و تکنولوژی‌های پیشرفته مرمتی، همان مسیر نوینی است که می‌تواند موزه‌های ما را از گنجینه‌های خاموش، به مراکز پویا و تولیدکننده دانش تبدیل سازد.

اینجانب دست تمامی استادان، پژوهشگران و دانشجویانی را که با ارسال یافته‌های علمی ارزشمند خود ما را در تدوین این شماره یاری نمودند، به گرمی می‌فشارم و از داوران محترم و اعضای هیئت تحریریه که با ارزیابی‌های دقیق خود بر غنای کیفی مقالات افزودند، صمیمانه سپاسگزارم. امیدواریم این دفتر، گامی مؤثر در ارتقای ادبیات پژوهشی موزه‌داری و حفاظت از میراث فرهنگی کشور باشد و راه را برای پژوهش‌های نوآورانه آتی هموار سازد.

بابک شیخ بی‌کلو اسلام

جانشین سردبیر *دوفصلنامه علمی مطالعات موزه‌ای زرین‌فام*

اسفند ۱۴۰۴